

گزارش

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «شرق»
طرح پرحاشیه مقابله با نفوذ را نقد کردند

مجلس در پیچ قانونی

زهره فراهانی، طرح ۳۳ماده‌ای مجلس برای مقابله با نفوذ، با رای بالای نمایندگان از سد کلیات گذشته است، اما مخالفت دولت همراه با نگرانی دانشگاهیان، خبرنگاران و فعالان اقتصادی، سبب بازگشت مواد اجرایی آن به کمیسیون امنیت ملی شده که نشان می‌دهد اختلاف نه بر سر ضرورت مقابله با جاسوسی، بلکه بر سر مرز میان «نفوذ» و «ارتباط عادی با جهان» است. مجلس بررسی طرحی را آغاز کرده که قرار است راه‌های نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و نهادهای بیگانه را مسدود کند؛ طرحی که کلیات آن با ۱۸۳ رای موافق، چهار رای مخالف و پنج رای منتع تصویب شد، اما هر چه بررسی به مواد اجرایی نزدیک‌تر شد، اختلاف‌ها نیز خود را بیشتر نشان داد. تا اینجا مواد یک و دو به تصویب رسیده‌اند، اما مواد سه و چهار، یعنی بخشی که نحوه ثبت و دریافت تأییدیه برای ارتباط دستگاه‌ها و اشخاص با طرف‌های خارجی را تعیین می‌کرد، برای رفع ابهام به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بازگشته است. همین بازگشت شاید مهم‌ترین نشانه از مسئله‌ای باشد که منتقدان از ابتدا درباره آن هشدار می‌دادند؛ مقابله با نفوذ ضروری است، اما آیا می‌توان تمام ارتباطات خارجی را زیر چتر یک سامانه امنیتی برد و از دل آن به نفوذی‌ها رسید؟

طرحی که از جنگ دوباره به صحن رسید

رد پای این طرح به سال‌های قبل بازمی‌گردد. ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفته است موضوع نفوذ از سال ۱۳۹۵ و در پی تأکیدهای رهبر شهید، به‌طور جدی وارد ادبیات اطلاعاتی کشور شد و از همان زمان مسئله جرم‌انگاری آن نیز در مکاتبات با دستگاه‌های مسئول مطرح بود.

نسخه اولیه طرح در تیر ۱۴۰۴ و پس از جنگ ۱۲روزه، در ۱۹ماده ارائه شد. سپس در کمیسیون امنیت ملی تغییر کرد و ردی همان سال به متنی ۳۳ ماده‌ای رسید. کمیسیون اعلام کرده این متن با حضور مسئولان دستگاه‌های مرتبط، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و معاونت قوانین بررسی شده است. با این حال، طرح تا مرداد ۱۴۰۵ در انتظار بررسی صحن ماند و پس از جنگ‌های اخیر بار دیگر در دستور کار قرار گرفت.

حامیان طرح می‌گویند ترور فرماندهان، مسئولان و دانشمندان ایرانی نشان داده است نفوذ فقط یک مفهوم سیاسی نیست و می‌تواند به عملیات میدانی و خسارت‌های جبران‌ناپذیر منتهی شود. از نگاه آنان، قوانین موجود بیشتر برای برخورد با جاسوسی پس از وقوع جرم نوشته شده‌اند و سازوکار منسجمی برای پیشگیری، ثبت ارتباطات بر خطر و تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌ها وجود ندارد.

جوکار: بیشترین ضربه را از نفوذ خورديم

محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید با کلیات طرح موافق بوده است؛ زیرا به اعتقاد او، بخش مهمی از ضربه‌های اخیر از مسیر نفوذ وارد شده است. او ترو و دانشمندان و فرماندهان را نمونه‌ای از نتایج همین مسئله می‌داند و می‌گوید: «نفوذ لزوماً با یک چهره آشکار اتفاق نمی‌افتد. ممکن است فردی با ظاهر موجه وارد دستگاهی شود، بخشی از این افراد شناسایی شوند و بخشی دیگر سال‌ها باقی بمانند تا در زمان مناسب دست به اقدام بزنند». جوکار برای توضیح سابقه نفوذ به حوادث هفتم تیر و هشتم شهریور ۱۳۶۰ نیز اشاره می‌کند و معتقد است از آن دوره تا جنگ‌های اخیر، بیشترین ضربه باقی مانده است؛ دشمن برای رسیدن به هدف خود به عوامل و اطلاعات داخل کشور نیاز دارد. از نظر او، دستگاه‌ها برای رصد این مسیر، جلوگیری از همکاری با سرویس‌های خارجی و مجازات کسانی که آگاهانه به آنان کمک می‌کنند، به یک قانون جامع نیاز دارند.

یکی از نگرانی‌های مطرح شده درباره طرح، احتمال استفاده سیاسی از عنوان «نفوذ» است. جوکار این نگرانی را رد می‌کند و می‌گوید قانون، در صورت تصویب، باید همه اشخاص حقیقی و حقوقی، دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی را بدون توجه به تعلق سیاسی آنها دربر بگیرد. او همچنین تأکید دارد فعالیت عادی علمی و پژوهشی نباید محدود شود، اما در ادامه مرزی را پیش می‌کشد که بخش مهمی از اختلاف مواقفان و مخالفان نیز از همین‌جا آغاز می‌شود: «هیچ جاسوسی خودش را جاسوس معرفی نمی‌کند. ممکن است در قالب خبرنگار، دانشمند یا فعال اقتصادی وارد شود. کار علمی و دانشگاهی مشکلی ندارد، اما نباید اجازه داد فعالیت علمی به پوششی برای نفوذ تبدیل شود».

از جاسوسی تا ثبت مقاله و همایش

پرسش منتقدان دقیقاً این است که چه نهاده‌ی، با چه معیار روشن و در چه مرحله‌ای قرار است این دور را از یکدیگر تفکیک کند؟ ماده نخست تصویب‌شده، هرگونه فعالیت با ارتباط اشخاص حقیقی و حقوقی را که به نقض استقلال، تضعیف وحدت ملی، فرهنگ ایرانی-اسلامی یا بنیه دفاعی و تسهیل نفوذ و سلطه بیگانه منجر شود، ممنوع می‌کند. ماده دوم نیز تعاریف طرح را دربرمی‌گیرد؛ از «کارگزار بیگانه» و دولت‌های سطح یک، دو و سه تا فهرستی طولانی از فعالیت‌های خارجی. در این فهرست فقط انتقال اطلاعات محرمانه با همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی دیده نمی‌شود. همکاری علمی و پژوهشی، دریافت کمک هزینه، انتشار کتاب و مقالات، شرکت در دوره‌ها و همایش‌های حضوری یا مجازی، فعالیت‌های هنری، تعامل با رسانه‌های خارجی و برخی ارتباطات اقتصادی نیز آمده است. در نسخه‌ای که کمیسیون ارائه کرده، قرار است «سامانه برخط ثبت مدیریت و نظارت ارتباطات خارجی» راه‌اندازی شود. برخی فعالیت‌ها فقط باید در آن ثبت شوند و برخی دیگر به تأیید قبلی نیاز دارند. فعالیت نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات و همچنین مشارکت مقامات سیاسی در فعالیت‌های مرتبط با کارزار خارجی، از ثبت در سامانه مستثنا شده بود. همین دامنه گسترده و استثنائا، کارزار سه و چهار را به یکی از مناقشه‌برانگیزترین بخش‌های طرح تبدیل کرد و سرانجام مجلس هر دو ماده را به کمیسیون بازگرداند.

پورددقان: آش را نباید آن‌قدر شور کرد

مصطفی پورددقان، نماینده اردکان در مجلس، طرح موافق است، اما می‌گوید رای او مشروط به اصلاح بندهای مسئله‌دار بوده است. او در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد دستگاه‌های امنیتی و انتظامی سال‌ها خواهان تعیین تکلیف قانونی این حوزه بوده‌اند و آثار نبود بازاردنگی نیز در شرایط جنگی دیده شده است. با این حال، پورددقان دایره اصلی طرح را نه شهروندان عادی، بلکه «دانه‌درشت‌های دارای دسترسی» می‌داند؛ افرادی که اکنون با در سال‌های گذشته در دولت، مجلس، نهادهای عمومی یا بخش خصوصی مسئولیت داشته‌اند و به اطلاعات جزئی و کلان کشور دسترسی پیدا کرده‌اند. به گفته او، ممکن است برخی از این افراد سال‌ها پس از پایان مسئولیت، آگاهانه در شبکه نفوذ جذب شوند و اطلاعات خود را در اختیار طرف خارجی قرار دهند. پورددقان در عین حمایت از برخورد بازدارنده با این گروه، گسترش طرح به دانشگاهیان، پژوهشگران و رسانه‌ها را دورشدن از اصل مسئله می‌داند: «ن باید آش را آن‌قدر شور کنیم که یک دانشگاهی برای شرکت در کلاس یا همایش و ارائه مقاله، ناچار باشد از چند فیلتر امنیتی عبور کند». او می‌گوید ایجاد کمیته یا سامانه‌ای برای بررسی انبوه سفرهای علمی، مقاله‌ها و همایش‌ها، هم امکانات گسترده می‌خواهد و هم با زمان‌بندی فعالیت‌های دانشگاهی سازگار نیست. از نگاه او، بررسی سریع و انبوه درخواست‌ها نیز لزوماً به تصمیم دقیق امنیتی منجر نخواهد شد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

عبدالرحمن فتح‌اللهی، سفر بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، به تهران و صدور بیانیه مشترک ایران و عمان درباره ترتیبات تنگه هرمز، در مقطعی حساس از بحران منطقه‌ای انجام شد. هم‌زمانی این تحول با تشدید فشارهای اقتصادی واشینگتن، بر پیچیدگی معادلات افزوده است. در پی بیانیه دو کشور، گزارش‌ها و ادعاهای متفاوتی درباره احتمال آتش‌بس ایران و آمریکا، رفع محاصره دریایی، احیای کشتیرانی و آغاز مذاکرات فنی منتشر شد. مجموعه این تحولات نشان می‌دهد همچنان تنگه هرمز و سرنوشت آن به کانون رایشی‌های دیپلماتیک و منازعات راهبردی منطقه بدل شده است. شایان ذکر است در این بین چهره‌هایی چون محمود نیویان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در واکنش به بیانیه مشترک وزارت خارجه با عمان درباره کریدور موقت در تنگه هرمز، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «چرا وزیر خارجه کشور بدون ملاحظات امنیتی اسباب محکومیت و اجماع‌سازی علیه ملت ایران به سبب اعمال مدیریت لازم و درست ایران در کریدور جنوبی را فراهم می‌کند؟ آقای عراقچی براساس کدام مجوز از دستور صریح مقام معظم رهبری مبنی بر انحصار مدیریت ایران بر تنگه هرمز تخلف کرده است؟».

با وجود این، تهران رسماً عنوان داشته که به رغم بیانیه مشترک، گماکان تنگه هرمز بسته خواهد بود. این در حالی است که خبرگزاری ریائونوستی به نقل از منابعی در ایران و پاکستان مدعی شد تهران و واشینگتن بر سر آتش‌بسی به توافق رسیده‌اند که آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز نیز بخشی از آن خواهد بود. بر اساس این ادعا، انتظار می‌رود اعلام رسمی آتش‌بس طی روزهای آینده انجام و پس از آن، مذاکرات و نشست‌های فنی آغاز شود. در مقابل، یک مسئول آمریکایی در گفت‌وگو با شبکه الحدث، هرگونه مذاکره جاری با ایران را رد کرد و مدعی شد واشینگتن در شرایط کنونی سیاست فشار و محاصره دریایی علیه ایران را ادامه می‌دهد. این مقام همچنین ادعا کرد تمامی مین‌ها از منطقه خارج یا منفجر شده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در ادعایی مشابه گفت: «نیروی دریایی این کشور تمامی مین‌ها را از آب‌های بین‌المللی تنگه هرمز خارج یا منفجر کرده است». او همچنین مدعی شد آمریکا از طریق ماهواره‌های نظامی، تنگه هرمز را به طور کامل زیر نظر دارد و سیاست «تخل صفر» در قبال هرگونه مین‌گذاری جدید را اجرا خواهد کرد.

در مقابل، تحرکات دیپلماتیک ایران و عمان بر ایجاد ترتیباتی برای مدیریت وضعیت کشتیرانی در تنگه هرمز متمرکز شده است. بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، پس از دیدار با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در پیامی اعلام کرد امیدوار است به‌زودی از ایجاد یک کریدور موقت در تنگه هرمز و ترتیبات عملی برای بازگرداندن کشتیرانی ایمن خبر داده شود. او افزود مدیریت آینده تنگه و دستیابی به راه‌حلی دائمی نیز در موعد مقرر و مطابق با ماده پنجم تفاهنامه اسلام‌آباد دنبال خواهد شد. عباس عراقچی نیز پس از دیدار با مقام‌های پاکستانی و عمانی، بر تعهد ایران به صلح و ثبات و پیگیری دیپلماسی مستمر با همسایگان خارج کرد. وزیر امور خارجه ایران گفت چارچوب پیشنهادی برای ایجاد یک کریدور جدید، مین‌روبی مشترک و مدیریت آینده تنگه هرمز، نمونه‌ای در رویکرد مبتنی بر راه‌حل‌های منطقه‌ای است.

در همین چارچوب گفته شد وزرای خارجه قطر و عمان نیز درباره گفت‌وگوهای جاری تهران و مسقط رایشی کردند. بر اساس اعلام وزارت خارجه، محور این تماس بررسی چارچوب پیشنهادی درباره تنگه هرمز، از جمله ایجاد یک کریدور موقت مشترک و توافقی بر اجرای طرحی برای مین‌روبی مشترک بوده است. وزیر خارجه قطر همچنین از تلاش‌های دیپلماتیک عمان برای کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات منطقه‌ای حمایت کرد. در کنار این تحولات، گزارش‌هایی نیز درباره جزئیات نقش میانجیگرانه پاکستان منتشر شده است. یک روزنامه‌نگار پاکستانی مدعی شد پیشنهاد آمریکا از طریق عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران منتقل شده و مذاکرات فنی درباره آن در جریان است. بر اساس این ادعا، واشینگتن پیشنهاد کرده است در برابر بازگشایی تنگه هرمز و پایان حملات نیروهای نیابتی ایران، تحریم‌ها و محاصره علیه ایران لغو شود. هم‌زمان، دولت عربستان نیز بر اهمیت باز نگه‌داشتن و ایمن‌بودن تنگه هرمز، بابل‌المندب و دیگر آبراه‌های حیاتی تأکید و اعلام کرده است از راه‌حل‌های دیپلماتیک پایدار و آزادی کشتیرانی حمایت می‌کند.

غرب‌آبادی: بازگشایی تنگه هرمز در گرو رفع کامل محاصره اقتصادی-پایان جنگ در همه جبهه‌ها-از جمله لبنان و تعیین تکلیف محاصره یمن است

در میانه این تضاد روایت‌ها، کاظم غرب‌آبادی در گفت‌وگوی س‌ه‌شنبه‌شب، با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان تنها کشورهای ساحلی تنگه هرمز هستند، اعلام کرد با توجه به اینکه ایران همچنان خود را در وضعیت جنگی می‌داند، تنگه هرمز اکنون به یکی از مسائل مرتبط با امنیت ملی کشور تبدیل شده است. معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در تشریح تفاهم ایران و عمان درباره تنگه هرمز تأکید کرد: «این تفاهم به معنای بازگشایی فوری تنگه نیست و نباید این دو موضوع را یکی تلقی کرد. او گفت در ۵۸ سال گذشته، مسیر تردد کشتی‌ها عمدتاً از سمت آب‌های عمان بوده و از نگاه ایران، این وضعیت آسیب‌هایی برای کشور به همراه داشته است؛ از این رو، تهران خواستار ایجاد تغییرات اساسی در مسیرهای ورود و خروج شده است. به ادعای این دیپلمات ارشد کشورمان، «بر اساس تفاهم جدید، مسیر ورود شناورها و بین‌الملل وزارت امور خارجه خواهد بود و مسیر خروج نیز از آب‌های سرزمینی عمان تعیین شده است»؛ با این حال، در هر دو مسیر، عبور کشتی‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده که از آب‌های ایران نیز انجام شود». غرب‌آبادی این سازوکار را به «اتوبان رفت‌وبرگشتی» با عرض کلی حدود هفت مایل تشبیه کرد. معاون وزیر خارجه تصریح کرد: «این مسیر جنبه موقت دارد و ایران و عمان باید ظرف ۳۰ تا ۶۰ روز درباره طراحی مسیر دائمی جدید و جایگزینی طرح ترافیک دریایی پیشین مذاکره کنند. همچنین مسیر جنوبی تنگه هرمز بر اساس این تفاهم بسته خواهد شد و عمان نیز این موضوع را پذیرفته است». به گفته معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه: «این تصمیم به سازمان بین‌المللی دریانوردی اعلام می‌شود و در ادامه، دو کشور

درباره ترتیبات مشترک اداره آینده تنگه مذاکره خواهند کرد». غرب‌آبادی درباره شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز هم گفت: «محاصره فقط مابازای تنگه هرمز نیست. ما وقتی تنگه را بستیم محاصره نداشتیم. آمریکا کارت جدید رو کرد اما اگر قرار است برگ بزنند خود را در برابر محاصره قرار دهیم، این نابرابر است و ما قبول نداریم. آمریکا باید به شرایط تفاهمات عمل کند. شرایط مشخص است؛ اول رفع کامل محاصره اقتصادی است، دوم بحث پایان جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان به صورت پایدار است. محاصره یمن باید تکلیفش مشخص شود».

تمرکز ترامپ بر اعمال فشار علیه ایران

در کنار تضاد روایت‌ها درباره سرنوشت تنگه هرمز، آنچه می‌تواند محل تامل باشد، به سیاست‌های کلی آمریکا علیه ایران بازمی‌گردد که در این باره و به نوشته اکسیوس، راهبرد کنونی دولت دونالد ترامپ در قبال ایران، در مقطع فعلی از عملیات نظامی گسترده به سمت تشدید فشارهای اقتصادی و دریایی تغییر کرده است. بر همین اساس، استیو ویتکاف و جرد کوشنر، نمایندگان کاخ سفید و مسئولان پرونده مذاکرات با ایران، دیروز چهارشنبه برای دریافت گزارش و ارزیابی از وضعیت میدانی منطقه، به فرماندهی مرکزی آمریکا، سنکتام، سفر کردند. تماس با همتایان خود در چند کشور متحد، اعلام کرده واشینگتن «فعلات» قصد آغاز حملات جدید علیه ایران را ندارد. به گفته منابع آگاه، تمرکز دولت آمریکا در این مرحله بر استفاده از ابزارهای دیگر فشار، از جمله کارزار جدید تحریم‌ها، فشار اقتصادی و محاصره دریایی خواهد بود. با این حال، مقام‌های آمریکایی احتمال واکنش نظامی در صورت آغاز حمله از سوی ایران را منتفی ندانسته‌اند.

بر اساس این گزارش، واشینگتن هم‌زمان تلاش می‌کند حجم بیشتری از نفت از تنگه هرمز عبور کرده و وارد بازارهای جهانی شود. یک مقام آمریکایی گفته است این سیاست احتمالاً دستکم تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا ادامه خواهد یافت. هرچند بازگشت به گزینه نظامی در آینده منتفی نیست. اکسیوس در بخش دیگری از گزارش خود به سفر اخیر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران اشاره کرده و مدعی شده پاکستان همچنان یکی از میانجی‌های اصلی میان ایران و آمریکاست. با این حال، کاخ سفید اعلام کرده در حال حاضر مذاکراتی با ایران جریان ندارد و گفت‌وگوی تازه‌ای نیز برنامه‌ریزی نشده است. مقام‌های آمریکایی همچنین مدعی‌اند افزایش عبور نفت از تنگه هرمز، بخشی از اهرم فشار ایران را کاهش داده و توافق احتمالی تهران و مسقط درباره مدیریت تنگه را کاملاً محتمل‌تر کرده است. با این همه، محور اصلی سیاست کنونی واشینگتن، بنابر این گزارش روشن است؛ یعنی فشار حداکثری اقتصادی برای واداشتن ایران به بازگشت احتمالی به میز مذاکره، بدون ورود فوری به یک جنگ گسترده جدید.

حسین کنعانی‌مقدم: هرمز هنوز باز نشده؛ بیانیه مشترک ایران و عمان راهی میانه برای مدیریت بحران است

در تحلیل بین خطوط آنچه گفته شد، حسین کنعانی‌مقدم طی گفت‌وویی که با «شرق» داشت، از یک منظر کلی معتقد است: «آنچه میان ایران و عمان ذیل بیانیه مشترک شکل گرفته، بیش از آنکه به معنای بازگشایی کامل تنگه هرمز باشد، نشانه‌ای از ناکامی فشارهای آمریکا برای جلوگیری از شکل‌گیری یک سازوکار منطقه‌ای میان دو کشور ساحلی این آبراه است». تحلیلگر حوزه غرب آسیا با اشاره به تهدیدهای پیشین دونالد ترامپ علیه عمان مبنی بر بمباران این کشور در صورت هرمانی با ایران، خاطرنشان می‌کند: «بیانیه مشترک روز سه‌شنبه و ماهانگی اخیر تهران و مسقط، از منظر سیاسی، ضربه‌ای به سیاست فشار واشینگتن به شمار می‌رود». به گفته او، «آمریکا در هفته‌های گذشته تلاش کرده بود با تهدید و اعمال فشار، عمان را از هماهنگی با ایران در موضوع تحریم‌ها و ترتیبات مربوط به تنگه هرمز بازدارد، اما سفر بدر البوسعیدی، بیانیه مشترک و پیش‌در گفت‌وگوهای دو کشور نشان داد نمی‌توان به دولت‌های منطقه دیکته کرد چگونه درباره منافع و مسئولیت‌های خود تصمیم بگیرند».

البته از نگاه کنعانی‌مقدم: «ایران و عمان به عنوان دو همسایه و دو کشور ساحلی تنگه هرمز، ناگزیرند درباره آینده این آبراه به تفاهم برسند و در نهایت نیز رژیم حقوقی و ترتیبات پایدار آن را مشخص کنند». با این حال، آنچه اکنون در قالب بیانیه مشترک مطرح شده، به گفته او: «هنوز به معنای ورود به مرحله نهایی تعیین رژیم حقوقی تنگه نیست و فعلاً یک راه میانی برای مدیریت شرایط انتخاب شده است؛ راهی که بر مبنای همکاری و هماهنگی مشترک دو کشور طراحی شده تا در فضایی ملتهب، از پیچیده‌ترشدن بحران جلوگیری شود». تحلیلگر مسائل خاورمیانه در عین حال بر تفکیک میان بیانیه مشترک روز سه‌شنبه تهران و مسقط و پیش‌رفت این ترتیبات با مسئله بازگشایی کامل تنگه هرمز تأکید دارد و از نگاه او: «بیانیه مشترک تهران و مسقط به این معنا نیست که شرایط به وضعیت عادی بازگشته یا همه محدودیت‌ها



عیسیا

پایان یافته است». به تعبیر کنعانی‌مقدم: «بخش مهمی از آینده این پرونده به شروط و مطالبات ایران و همچنین تحولات سیاسی و امنیتی منطقه گره خورده است». به همین دلیل از دید او: «نمی‌توان صرف صدور یک بیانیه را مترادف با گشایش کامل تنگه دانست، بلکه این سند را باید گامی در مسیر تنظیم ترتیبات موقت و مدیریت مشترک شرایط موجود ارزیابی کرد».

این تحلیل در شرایطی مطرح می‌شود که در هفته گذشته، تحرکات دیپلماتیک در منطقه افزایش یافته است. از یک سو سفر مقام‌های منطقه‌ای از جمله پاکستانی‌ها و عمانی‌ها به تهران ادامه داشته و از سوی دیگر، آمریکا کارزار تازه‌ای از فشارهای اقتصادی علیه ایران را آغاز کرده است که کنعانی‌مقدم این دوگانگی و تضاد را نشانه «ادامه یک سیاست چندابزاری از سوی واشینگتن می‌داند»؛ ساستی که به باور این تحلیلگر حوزه بین‌الملل: «پس از ناکامی در دستیابی به اهداف از مسیرهای دیگر، اکنون فشار اقتصادی را با تحرکات سیاسی و دیپلماتیک درهم آمیخته است».

کنعانی‌مقدم در ادامه اعتقاد دارد: «فشار اقتصادی جدید آمریکا را باید در چارچوب تداوم منازعه‌ای گسترده‌تر دید»؛ منازعه‌ای که به زعم او: «واشینگتن امیدوار است با گشاندن بازیگران و فشرکای اقتصادی ایران به میدان، دامنه فشار بر تهران را افزایش دهد». غلی‌رغم تنگه مذکور، این‌فعال و تحلیلگر سیاسی تأکید می‌کند: «موفقیت چنین راهبردی، به میزان همراهی دیگر قدرت‌ها و کشورهای با آمریکا بستگی دارد و در صورت فقدان این همراهی، کارزار فشار نمی‌تواند لزوماً به نتایج مورد انتظار واشینگتن منجر شود». در همین حال، انتشار خبرهایی درباره افزایش رفت‌وآمد مقام‌های آمریکایی از جمله سفر ویتکاف و کوشنر به سنکتام و بررسی شرایط میدانی منطقه نیز بر گمانه‌زنی‌ها درباره آینده بحران افزوده است که آیا منطقه به سوی جنگی فرسایشی حرکت می‌کند یا همچنان امکان مهار تنش از مسیر دیپلماسی وجود دارد که کنعانی‌مقدم در پاسخ به این پرسش معتقد است: «ایران برای شکستن آنچه «محاصره» می‌خواند، مجموعه‌ای از ابزارها را در اختیار دارد و دیپلماسی و توان نظامی را نباید دو مسیر متناقض، بلکه دو ضلع از یک راهبرد واحد دانست». به گفته او: «شرایط میدانی می‌تواند در مقاطعی شاهد تنش و درگیری باشد، اما هم‌زمان ظرفیت‌های دیپلماتیک نیز برای جلوگیری از گسترش بحران فعال خواهد ماند. جایگاه راهبردی تنگه هرمز و نقش آن در انتقال انرژی جهان نیز عاملی است که هرگونه تصمیم درباره آن را به مسئله‌ای فراتر از روابط ایران و آمریکا تبدیل می‌کند». همین اهمیت راهبردی، به تعبیر کنعانی‌مقدم: «هزینه گسترش بحران را برای همه بازیگران بالا برده و می‌تواند خود به عاملی بازدارنده تبدیل شود». بخش دیگری از گفت‌وگو به انتقادهای داخلی برخی چهره‌های سیاسی و نمایندگان مجلس به بیانیه مشترک روز سه‌شنبه عراقچی و بدر البوسعیدی درباره مبای حقوقی و قانونی مذاکرات وزارت امور خارجه با عمان درباره ترتیبات تنگه اختصاص دارد که کنعانی‌مقدم در این زمینه میان «بیانیه»، «تفاهم‌نامه»، «توافق» و «قرارداد» تمایز قائل است و تأکید می‌کند: «این مفاهیم از نظر حقوقی یکسان نیستند و هرکدام سازوکار و الزامات خاص خود را دارند». از نگاه او، «مذاکرات و بیانیه‌های روز سه‌شنبه تهران و مسقط لزوماً به معنای انعقاد یک توافق الزام‌آور نیست که از همان ابتدا نیازمند طی همه مراحل قانونی باشد».

تحلیلگر حوزه سیاست خارجی متذکر می‌شود: اگر روند کنونی در آینده به یک توافق رسمی یا سند الزام‌آور تبدیل شود، آن زمان باید مراحل حقوقی و قانونی مربوط به آن در شعاع، مجلس و دیگر نهادهای طی شود و تا آن زمان، مسئولیت پیشبرد مذاکرات با وزارت امور خارجه است، اما تصمیم‌گیری نهایی درباره اسناد مهم و اجرای ترتیبات راهبردی نیز در چارچوب سازوکارهای عالی‌ک کشور انجام خواهد شد». بر این اساس، کنعانی‌مقدم خاطرنشان می‌کند: «انتقاد برخی چهره‌های سیاسی و نمایندگان مجلس به بیانیه مشترک ایران و عمان در شرایط فعلی موضوعیت ندارد و بیانیه مذکور را شاید بتوان نه پایان پرونده هرمز، بلکه گشایش فصلی تازه در آن دانست؛ تلاشی برای آنکه دو کشور ساحلی پیش از آنکه بحران از کنترل خارج شود، ابتکار عمل را در محیط پیرامونی خود حفظ کنند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا این «راه میانه» می‌تواند به ترتیباتی پایدارتر برسد یا فشارهای خارجی و تحولات متغیر منطقه، مسیر تفاهم تهران و مسقط را بار دیگر با موانع تازه روبه‌رو خواهد کرد».

مرتضی مکی: نفس بیانیه مشترک ایران و عمان، امید به دیپلماسی را زنده می‌کند

مرتضی مکی هم به عنوان دیگر کارشناس، در نمای کلی قدری ابهام و عدم قطعیت را چاشنی ارزیابی خود می‌کند و یادآور می‌شود: «اکنون معادلات منطقه و تنگه هرمز پیچیده‌تر شده است. از آن است که صرفاً با بیانیه مشترک تهران و مسقط قابل ارزیابی باشد، چون پس از تشدید تحریم‌ها و افزایش تهدیدهای لفظی و سیاسی آمریکا علیه ایران، تحرکات دیپلماتیک در منطقه نیز وارد

گزارش «شرق» از روایت‌های متضاد درباره سرنوشت تنگه هرمز به دنبال بیانیه مشترک تهران و مسقط

معمای تنگه

مرحله تازه‌ای شده است؛ رفت‌وآمدهایی از مسیر پاکستان و عمان که در کنار تغییر لحن واشینگتن و افزایش فشارهای اقتصادی، این پرسش را پررنگ‌تر کرده که منطقه در آستانه دور تازه‌ای از رویارویی قرار دارد یا تلاش‌ها برای گشودن مسیر مذاکره در حال افزایش است که این کارشناس در گفت‌وویی که با «شرق» دارد، معتقد است: «هر دو سناریو همچنان روی میز هستند و نمی‌توان با قطعیت از غلبه مسیر جنگ یا توافق سخن گفت». با این همه، به باور او، تحولات ماه‌های اخیر یک واقعیت تازه را پیش‌روی همه بازیگران قرار داده است که هزینه بحران دیگر صرفاً بر دوش ایران نیست و دامنه آن از مرزهای منطقه عبور کرده است. لذا از منظر او: «نفس بیانیه مشترک ایران و عمان، امید به دیپلماسی را زنده می‌کند».

مکی با اشاره به هم‌زمانی تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا با افزایش تحرکات میانجیگرانه، فضای فعلی حاکم را این‌گونه تحلیل می‌کند: «هرچه فشارهای اقتصادی و تهدیدهای نظامی علیه ایران شدت بیشتری پیدا کند، نگرانی بازیگران منطقه‌ای بین‌المللی نیز افزایش خواهد یافت و به همان نسبت، انگیزه برای فعال‌کردن کانال‌های گفت‌وگو و میانجیگری بیشتر می‌شود. لذا سفر وزیر-خارجه عمان و نیز فرمانده ارتش پاکستان به تهران را باید در این راستا تحلیل کرد». به گفته این تحلیلگر: «تفاوت مهم شرایط امروز با دوره‌های پیشین در همین نکته نهفته است؛ که دیگر نمی‌توان بحران را مسئله‌ای محدود به ایران و آمریکا دانست. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثباتی در بازار انرژی و تضعیف چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی». کارشناس حوزه سیاست خارجی در تحلیل رفتار کشورهای عربی منطقه بر همین جنبه تأکید می‌کند و به تعبیر او، این کشورها اگرچه در بسیاری از مسائل راهبردی با آمریکا هم‌پوشانی و همراهی دارند، اما تجربه ماه‌های اخیر به آنها نشان داده هر جنگ تازه‌ای علیه ایران می‌تواند امنیت و دستاوردهای اقتصادی خود آنها را نیز مستقیماً تهدید کند. کشورهای عربی منطقه، اروپا و حتی خود آمریکا نیز از استمرار ناامنی و تهدید جنگ متأثر شده‌اند. جنگ و تنش در منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی از میدان درگیری ایجاد می‌کند؛ از افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و اختلال در تجارت گرفته تا نگرانی از بی‌ثبات